



تفسیر اثنی عشری

و مؤلف آن

رضا استادی

در دوازده سالگی از شهری به تهران رفته و در مدارس جدید تحصیل کرده است و سپس در یکی از مدارس، نزدیک به ده سال به تدریس پرداخته است.

او در طول این ده سال نیز به خواندن کتاب های مقدماتی حوزوی مشغول شده، در جلسه تفسیری که در مسجد جامع تهران برگزار می شده، شرکت می کرده است.

در سال ۱۳۴۹ ق به حوزه علمیه قم مشرف شده، دوران طلبگی خود را آغاز کرده است و تا سال ۱۳۶۲ در این حوزه مبارکه بوده، سپس به زادگاهش برای انجام خدمات دینی رفته است و تا پایان عمر در آنجا بوده است.

استادان او

۱. حاج شیخ حسین مقدس، متوفای ۱۳۵۲. مقدمات و ادبیات را در حدی که می توانسته از کتاب های تفسیری استفاده کند، نزد ایشان در مدرسه محمدیه روبروی مسجد جامع تهران، خوانده است. متأسفانه شرح حال این استاد در اختیار نیست.

۲. آیت الله آقامیر سیدعلی حائری معروف به مفسر، از شاگردان میرزای شیرازی. علامه تهرانی در کتاب هدیه الرازی و اعلام الشیعه در معرفی ایشان می نویسد:

سیدعلی بن سید حسین بن سید یونس لاریجانی متولد حدود ۱۲۷۰ در کربلا و نزدیک سال وفات استادش میرزا محمدحسن شیرازی متوفای ۱۳۱۲ به تهران رفت و در مسجد جامع بازار تهران به تفسیر قرآن پرداخت و به آقامیر سیدعلی مفسر معروف شد.

تفسیر مقتنیات الدرر (به زبان عربی) که در سال ۱۳۳۷ تألیف آن به پایان رسیده و در سال ۱۳۷۷ به همت برخی از شاگردان و به سرمایه برخی از علاقه مندان او در دوازده جلد به چاپ رسید، از آثار اوست.

آقای اثنا عشری در شرح حال خود می نویسد: «به مصداق

سید جلیل حجت الاسلام والمسلمین آقا سید حسین اثنا عشری در سال ۱۳۱۵ قمری به دنیا آمد. پدرش حاج سیداحمد اعتمادی، معروف به آقا سیدحاجی آقا، و او فرزند سیدمحمد و او فرزند سیداحمد و او نواده میرعلی رضا و او پسر میرعقیل است. میرعلی رضا نیز در سال ۱۱۵۷ با فرمان نادرشاه به سرکشیکی آستان حضرت عبدالعظیم منصوب شده است.

صاحب کتاب گنجینه دانشمندان که خود از اهل ری (شاه عبدالعظیم) است، درباره پدر آقای اثنی عشری می نویسد:

مرحوم سلاله السادات حاج سیداحمد اعتمادی معروف به حاج سیدآقا از رؤسای خدام آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم بود. ایشان سیدی بود متعبد و متعهد و بااخلاص. هرگاه هنگام سحر توفیق تشریف حرم حضرت عبدالعظیم را داشتم، می دیدم آن مرحوم با حال خشوع مشغول نماز شب است. در سال ۱۳۶۹ ق از دنیا رفت و در رواق مطهر به خاک سپرده شد.

مرحوم آقای اثنا عشری درباره پدرش می نویسد: «والد گرامی احقر آقای سیداحمد معروف به آقا سیدحاج آقا خزانه دار آستانه مقدسه حضرت عبدالعظیم (ع) پس از مدت شصت سال خدمت، روز شنبه ۱۸ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۶۹ ق در سن هشتاد سالگی دنیا را وداع و خانواده، بلکه اهل بلد را به فوت خود متأثر نمود».

آقای اثنا عشری آن طور که در شرح حال خود نوشته است،

فرمایش ان لله فی ایام دهر کم نفعات، نفعات رحمانیه شامل حال اینجانب شد که موفق به حضور در مجلس تفسیری در مسجد جامع تهران (آقاسید میرعلی حائری متوفای ۱۳۵۳ ق) شدم و مدت نه سال شبی یک ساعت از آن درس استفاده کردم. این سید جلیل و عالم نبیل، گذشته از سمت استادی باعث حیات مرده گردید تا در عرض شش سال جلد اول تفسیر (تحریر اول آن) در سن سی سالگی به پایان رسید.

۳. آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی. آقای اثنا عشری در شرح حال خود می نویسد: «وسائل تحصیل و مسافرت به دارالایمان روضه منوره حضرت معصومه (ع) قم حاصل شد و در جرگه طلاب و در ظل مرحمت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری مشغول [شد] و در تحت تربیت استادنا المعظم السید شهاب الدین النجفی زیست».

در آن تاریخ، آیت الله نجفی مرعشی، کتاب هایی مانند شرح لمعه تدریس می کردند.

در سال ۱۳۵۲ این استاد اجازه روایتی مفصل برای شاگردش نوشته است که پس از این درباره او توضیحی خواهیم داد.

همچنین آیت الله مرعشی در سال ۱۳۵۴ تقریظی بر تفسیر اثنی عشری نوشته اند که در آغاز جلد ششم آن چاپ شده است.

۴. آیت الله میرزا محمدعلی ادیب تهرانی از استادان سطح معروف آن دوره که شرح حال او در کتاب گنجینه دانشمندان آمده است.

۵. آیت الله میرزا محمد همدانی (ثابتی). ایشان هم از استادان معروف سطح آن دوره بوده، شرح حالش در کتاب گنجینه دانشمندان است.

این استاد در شرح حالی که مرحوم آقای اثنا عشری برای خود نوشته اند، یاد نشده است، ولی در کتاب گنجینه دانشمندان از او یاد شده است.

۶. آیت الله العظمی حائری مؤسس حوزه علمیه قم. گویا وی مدت کمی از درس ایشان بهره برده است.

در جلد پنجم تفسیر اثنی عشری (ص ۳۴۲-۳۴۳) درباره رحلت آن بزرگوار می نویسد:

صیاد اجل، فرید عصر و وحید دهر حجت الاسلام والمسلمین آیت الله فی العالمین المولی المکرّم و استادنا المعظم، شیخ الفقهاء والمجتهدین و رئیس الملة والدین المؤید بالتأیید الازلی الحاج شیخ عبدالکریم الحائری الیزدی طیب الله ثراه وجعل فی اعلی علیین مثواه را در شب هفدهم ذیقعده الحرام سال ۱۳۵۵ هجری قمری از میانه ربود. احقر در تشییع جنازه حاضر شدم تعطیل عمومی و عاشورایی برپا شد.

پس از رحلت حضرت آیت الله العظمی حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، آیات عظام: آقاسید محمد تقی خوانساری و آقاسید محمد حجت کوهکمری و آقاسید صدرالدین صدر، حوزه علمیه قم را اداره می کردند و هر سه از مراجع تقلید بودند.

آقای اثنا عشری از آیت الله خوانساری اجازه اجتهاد بدون تاریخ و اجازه امور حسبه مورخ ۱۳۶۲ و از آیت الله حجت اجازه امور حسبه مورخ ۱۲۶۲ و از آیت الله صدر اجازه روایت و امور حسبه مورخ ۱۳۶۲ دارد و این تاریخ همان ابتدای آمدن ایشان از حوزه علمیه قم به شهرری است.

و چون آقای اثنا عشری حدود هفت سال پس از رحلت آیت الله حائری در قم بوده است، حدس زده می شود از محضر این بزرگان هم استفاده کرده باشد و این عزیزان هم استادان او باشند.

اعتماد مراجع تقلید به ایشان

مرحوم آقای اثنا عشری در طول حدود بیست سالی که در شهرری به عنوان یک روحانی فعال به ترویج مکتب اهل بیت اشتغال داشته است، همواره مورد اعتماد مراجع تقلید بوده و از همه آنها اجازه امور حسبه و از برخی روایت و از برخی اجازه اجتهاد داشته است. درباره او گفته اند:

مؤلف کتاب آیینہ دانشوران که در سال ۱۳۵۳ ق چاپ شده است، می نویسد: «آقاسید حسین فرزند سید حاج آقا از شاگردان ادیب تهرانی و آقاسید شهاب الدین نجفی هستند. جوانی است پارسا و اکنون به نوشتن تفسیری به نام تفسیر اثنی عشری می پردازد». وی در جای دیگر می نویسد: «میرزا عباس همدانی رفیق مباحثه اش سید حسین اثنی عشری است».

مؤلف، در چاپ دوم این کتاب که در سال ۱۳۷۸ ق نشر یافته است، می نویسد: «این عالم متقی امروز در شهرری اشتغال به ترویج احکام دارند و از ائمه جماعت آن سرزمین و مورد وثوق مؤمنین اند. کتاب تفسیر ایشان که چند جلد آن چاپ شده و در دست استفاده است، حاکی از مقام فضل و دانش ایشان است».

مؤلف کتاب گنجینه دانشمندان و کتاب اختران فروزان ری و تهران می نویسد: مرحوم مبرور عالم جلیل و مفسر نبیل آقای حاج آقا حسین اثنا عشری، عالمی بود که در امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی نمی کرد. در شهرری از محبوبیت خاصی برخوردار بود و همگان از صمیم قلب او را دوست داشتند.

در سال ۱۳۶۲ ق از حوزه علمیه قم به وطن برگشت و تا پایان عمر در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ و نشر اخبار و احادیث اشتغال داشت.

اجازه به ایشان می نویسد: «جناب عالم عامل و فاضل کامل ملاذ الانام ثقة الاسلام و ورع تقی و برّ و فی منزّه از هر شیین برادر گرامی ما سیدحسین شاه عبدالعظیمی دام بقاء و رزقه الله فی الدارین مایه مناه ... بحمدالله در علم و تقوا مشار به بنان و در میان اقربان و امثال ممتاز است ...».

آیت الله مرعشی نجفی هم در سال ۱۳۵۴ در تقریظ به تفسیر اثنتی عشری می نویسد: «ثمره الفؤاد و قره العین سیدحسین حسینی شاه عبدالعظیمی المعرض عن الهوی المطیع المنقاد لامر مولاه الصارف العنقوان شبابه فی تحصیل العلوم الشرعیة و المنفق رأس ماله فی تشیید المبانی الدینیة من خصه الله بمزایا قلما توجد فی ابناء زمانه ...».

آیت الله شیخ محمدکاظم شیرازی در سال ۱۳۶۶ درباره ایشان می نویسد: «جناب مستطاب ثقة الاسلام آقا سیدحسین اثنا عشری دامت تأییداته مورد وثوق و اطمینان و اعتماد و دارای مراتب سامیه علم و عمل و جامع اخلاق فاضله ...».

آیت الله سیدعبدالهادی شیرازی در سال ۱۳۷۴ درباره ایشان می نویسد: «جناب مستطاب عمادالسادة العلماء الاعلام ملاذ الانام رکن الاسلام آقای حاج سیدحسین اثنا عشری دامت برکاته مقام علم و فضل و تقوا و امانت و دیانتشان غنی از توصیف و بیان است ...».

تالیفات

۱. (ربیع حسینی، شامل چهل حدیث با ترجمه فارسی. در ماه صفر ۱۳۸۳، یعنی حدود دو سال قبل از وفات ایشان، این اثر تألیف و در همان سال در ۱۸۰ صفحه منتشر شده است.

۲. کتاب اصول دین. زبان کتاب فارسی است، اما تاریخ تألیف آن معلوم نیست. این کتاب با کمی تلخیص در دست چاپ و انتشار است.

۳. تفسیر اثنتی عشری که در زمان حیات مؤلف، در چهارده مجلد به صورت نامطلوبی چاپ شده بود و پس از وفات ایشان با تحقیق و تخریج روایات آن، دوباره به صورت بسیار جالبی در چهارده مجلد منتشر شد و اکنون نایاب است.

توضیح

از سال های اولی که به حوزه علمیه قم وارد شده بود، نگارش این تفسیر را آغاز کرد و تا سال ۱۳۵۴ به نوشتن چهار مجلد و تا سال ۱۳۵۶ به نوشتن دو مجلد دیگران موفق شد. وی در پایان جلد ششم می نویسد:

عالمی بود منزوی که به زیور زهد و ورع آراسته و به لباس تقوا و صلاح پیراسته و به کرامت نفس و مناعت طبع موصوف و متعصب در برابر منکرات بود و از نهی آن دریغ نمی داشت.

در وفیات و روزهای عزا و شهادت ائمه معصومین (ع) بعد از پایان نماز جماعتش مؤمنین را در حال نوحه خوانی و عزا حرکت داده و به آستانه مبارکه مشرف [می شدند] و با خواندن مرثیه، سوگواری نموده و خود گریسته و مردم را در مصیبت اهل بیت می گریانید.

در برابر اجداد گرامی اش بی ریا و بی آرایش و با اخلاص و صفا بود تا در شب پنجشنبه پنجم ماه شعبان ۱۳۸۴ قمری (۹ آذر ۱۳۴۳ ش) که به مناسبت ولادت حضرت علی بن الحسین (ع) پس از پایان نماز جماعت با حالت کسالت منبر رفت و بعضی از دوستان و ارادتمندانش اظهار کردند حال شما مقتضی نیست منبر روید، گفت می خواهم تا آخرین نفس به وظیفه ام عمل کنم. چند جمله ای بیش نگفته بود که به عارضه سکنه قلبی مبتلا [شد] و او را تا از منبر پایین آورده که به منزل برسانند، در گذشت؛ و روز پنج شنبه پنجم ماه شعبان با تجلیل فراوان و تشییع باشکوهی به آستانه آورده و در آنجا به خاک سپردند. قبر شریفش در نزدیکی حرم مطهر حضرت عبدالعظیم در قسمت شرقی رواق به فاصله دو متر از درب حرم واقع است.

پس از آمدن ایشان از قم به شهرری آیت الله آقا سیدمحمد تقی خوانساری در نامه ای مورخ ۲ ج ۱ / ۱۳۶۲ ق به ایشان می نویسد: «دوری از فیض حضور حضرت تعالی هر چند بر علاقه مندانی که در اینجا دارید، گران است، ولیکن هرگاه در آنجا اشتغال به ترویج و نشر احکام داشته باشید و مؤمنین آن محل قدردانی چنانچه باید و شاید داشته باشند، شاکریم، و امید از الطاف الهیه جل ذکره که همین طور بوده باشید.

و آیت الله حجت در ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۶۲ ق در نامه ای به ایشان می نویسد: «ان شاء الله تعالی در ظل مرحام حضرت سبحان جل و علا از جمیع آلام و اسقام محفوظ و در پناه حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف موفق و مؤید خواهید بود ... حقیر را در اوقات شریفه از ادعیه صالحه محروم نخواهید فرمود. تأییدات جنابعالی را خواهانم؛ البته تصرف جنابعالی در امور لازم مسلمین مختتم و فرض است. نباید کارهای لازم مسلمانان تعطیل شود و معلوم است جنابعالی به حسب وظیفه خودتان همیشه ملاحظه احتیاط و سداد را فرموده و خواهید فرمود. خدمت آقای والد معظم هم از احقر ابلاغ سلام بنمایید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته».

آیت الله صدر هم در تاریخ ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۶۲ ق در

خواننده را تحت تأثیر قرار می دهد.

به نظر اینجانب در صورتی که بخشی از مطالب آن که جنبه عمومی ندارد، تلخیص شود و در حدود پنج مجلد با عنوان «خلاصه تفسیر اثناعشری» منتشر شود، برای عموم خوانندگان سودمند و اثرگذار است.

از خدای متعال خواستارم این توفیق نصیب بنده گردد تا از این راه عرض ارادتی هم به پیشگاه مؤلف بزرگوار آن کرده باشم.

از یکی از مفسران معاصر نقل شده است: «تفسیر اثنی عشری برای کسانی که از تفسیر منهج الصادقین می توانند استفاده کنند، قابل استفاده است»، و یا بگوییم در حد تفسیر منهج الصادقین است.

این کتاب، ادبیات، روایات، مطالب تاریخی و موضوعات اخلاقی را - با هم - شامل می شود و از قلم قابل فهمی برخوردار است. آری برای چاپ مختصر آن، شاید به ویراستاری جزئی نیاز باشد.

مرحوم اثناعشری در سال ۱۳۸۱ نسخ اصل تفسیر خود را که شامل ۲۲ جزء قرآن مجید بود - و همه یا بخشی از آن را برای انتشار تلخیص کرده بود - را در هفت یا هشت مجلد به «مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع) العامة» واقع در نجف اشرف اهدا کرد که در فهرست نسخه های خطی آن کتابخانه ثبت شده است.

اجازات

مرحوم اثناعشری از آیت الله سید محمد تقی خوانساری اجازه اجتهاد دارد؛ از آیت الله سید صدرالدین صدر مورخ ۱۲۶۲ و از آیت الله مرعشی نجفی مورخ ۱۳۵۲ اجازه روایت دارد. اجازه اخیر، به صورت رساله ای ۲۷ صفحه ای و وزیری، با نام «نورالعین او اجازة الحسين» است و شامل فوائد متعددی است که باید جداگانه تحقیق و منتشر شود.

در این اجازه آیت الله نجفی برخی از مشایخ خود از علمای امامیه را به این شرح یاد کرده است:

- سید عبدالصمد موسوی جزائری از شیخ نوح نجفی [از صاحب جواهر] ...؛

- سید حسن صدر [صاحب تأسیس الشیعه ...] موسوی کاظمی از حاج ملاعلی طهرانی خلیلی ...؛

- نجم الحسن الهندی مؤسس مدرسه الواعظین در لکهنو از

۱. تولد ایشان طبق نوشته شان در سال ۱۳۱۵ است. در این تاریخ ایشان ۴۱ ساله بود. در مقدمه جلد دوم تفسیر، مصحح محترم تاریخ تولد را ۱۳۱۸ نوشته است که درست نیست.

بحمدالله و شکره و منه و استعانته تمام شد این جلد تفسیر اثنی عشری روز پنجشنبه دوم شهر ذی الحجة الحرام ۱۳۵۶ هجری در مدرسه فیضیه دارالامان قم جوار روضه منوره حضرت معصومه (علیها السلام)، در حالتی که عزلت گزیده و انگشت تحسر به دندان گزیده، محاسن سفید گشته، ندای فیالیت الشیاب بلند شده و دل از ناشایستگی های روزگار غدار آزرده و لسان از گفتن آن خموده (کذا) گاهی خود را به گزارشات اجداد گرام تسلی داده و زمانی به احوال اولیای عظام تسکینی یافته، آتش غصص در کالبد بدن شعله ورزیده و اعضا و جوارح به حرارت آن پزیده، توسن نفس سرکش در کش و واکش که آخر فکری و از زندگی بهری و از لذائف خطی، ناگاه تازیانه عقل او را تأدیبی کند که هان از خواب غفلت بیدار و از مستی هشیار

چو دوران عمر از چهل درگذشت^۱

غنیمت شمر کابت از سرگذشت.

در صفحه ۳۱۴ جلد هفتم آمده است: «تمام شد این سوره مبارکه (نحل) در عصر روز دوشنبه ۶ جمادی الثانی ۱۳۵۸».

در صفحه ۴۵۹ جلد هشتم آمده است: تمام شد تفسیر این سوره مبارکه (انبیاء) روز دوشنبه ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۶۰ در جوار روضه منوره حضرت عبدالعظیم حسنی (ع).

در صفحه ۲۵۹ جلد نهم آمده است: «تمام شد تفسیر سوره نور روز دوشنبه ۱۲ ذیحجه سال ۱۳۶۱ در جوار بهیه حضرت معصومه (سلام الله علیها). امید است به برکات ولی عصر (ع) صبح سعادت سرزند».

و در صفحه ۵۲۰ جلد نهم آمده است: «تمام شد روز سه شنبه ۱۳ ذیقعده الحرام سال ۱۳۶۳ ق».

تا اینجا که شامل تفسیر ۲۲ جزء از قرآن مجید است، نوشته شده است و تا حدود سال ۱۳۷۶ متوقف مانده است. در تاریخ ۱۳۷۶ - ۱۳۸۰ بخش های اول تفسیر تلخیص شده، باقیمانده تألیف و در چهارده مجلد منظم گشته است. در پایان جلد چهاردهم آمده است: «والحمد لله ... انموزجی از تفسیر قرآن و کلام خالق سبحان به مدت سی و شش سال اتمام پذیرفت روز شنبه ۲۹ شهر شوال المکرم ۱۳۸۰. امید است ان شاء الله این خدمت ناقابل به درگاه خداوند قابل قبول و ذخیره یوم المسؤل گردد ...».

این تفسیر به زبان فارسی و با توجه به تعدادی از تفاسیر مهم و نیز روایات وارده در ذیل آیات، نگاشته شده است و شامل مطالب سودمند اخلاقی و اعتقادی است و در بسیاری از موارد



صاحب عروه ... ؛
 - سیدناصر حسین هندی از پدرش میرحامد حسین صاحب کتاب عیقات ... ؛
 - سیدمحسن عاملی صاحب اعیان الشیعه، از سیدمحمد موسوی هندی از شیخ انصاری ... ؛
 - سیده‌الدین شهرستانی صاحب کتاب الیهیة والاسلام از آقامیرزا محمدباقر اصطهباناتی از سیدمهدی قزوینی حلی ... ؛
 - سیدمحمد حسینی فیروزآبادی یزدی از صاحب عروه ... ؛
 - سیدعبدالحسین آل کمونه از شیخ زین العابدین مازندرانی حائری؛
 - حاج شیخ محمدباقر بیرجندی صاحب کبریت احمر از حاجی نوری از سیدمحمد مهدی قزوینی حلی ... ؛
 - آقامیرزا محمدطهرانی عسکری صاحب کتاب مستدرک البحار از حاجی نوری ... ؛
 - شیخ آقابزرگ طهرانی صاحب کتاب الذریعه از حاجی نوری ... ؛
 - شیخ محمدحسین شیرازی از سیدمرتضی کشمیری از سیدمحمد مهدی قزوینی ... ؛
 - شیخ میرزا محمد همدانی جولانی از حاج میرزا حبیب الله جیلانی [رشتی] از شیخ انصاری ... ؛
 - شیخ محمدرضا دزفولی (مرجع تقلید در خوزستان) از عمویش شیخ محمدطاهر از شیخ انصاری ... ؛
 - حاج شیخ عبدالله مامقانی [صاحب کتاب رجال] از پدرش شیخ محمدحسن از استادش سیدحسین کوه کمری تبریزی از شیخ انصاری؛
 - حاج میرزا ابوالمهدی کلباسی [صاحب سماء المقال] از شریعت اصفهانی از سیدمحمد مهدی قزوینی ... ؛
 - شیخ محمد حرزالدین [صاحب معارف الرجال] از شیخ محمد طه نجف از حاج ملاعلی خلیلی طهرانی ... ؛
 - شیخ فیاض الدین زنجانی از استادش شیخ محمدهادی طهرانی از شیخ عبدالحسین طهرانی از صاحب جواهر ... ؛
 - حاج محمد حسن آل کبه بغدادی از میرزا محمدتقی شیرازی از آخوند ملا زین العابدین گلپایگانی از شیخ علی کاشف الغطاء از پدرش ... ؛
 - میرزا محمدعلی رشتی نجفی [صاحب تألیفات] از حاج ملاعلی خلیلی ... ؛
 - آقا فتحعلی زنجانی از عمویش آخوند ملا قربانعلی زنجانی از شیخ انصاری ... ؛
 - آخوند ملامحمد حسین فشارکی از برادرش آخوند

ملا محمد باقر صاحب کتاب عنوان الکلام از میرسیدحسن مدرس اصفهانی از حجت الاسلام شفتی از سیدبهر العلوم ... ؛
 - میرزا محمود شیرازی از شیخ محمد طه نجف از حاج ملاعلی خلیلی طهرانی ... ؛
 - شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء صاحب کتاب الدین والاسلام از حاجی نوری؛
 - حاج شیخ علی قمی نجفی از حاجی نوری؛
 - شیخ محمداسماعیل محلاتی صاحب کتاب انوار العلم والمعرفة از پدرش آخوند ملا محمدعلی از سیدابراهیم قزوینی صاحب ضوابط ... ؛
 - شیخ علی خاقانی مشهور به خیقانی از حاج ملاعلی طهرانی خلیلی ... ؛
 - سید محمود حسینی مرعشی پدر آیت الله مرعشی (ره).

چند فایده از رساله اجازه نامه

۱. کتاب شرعة التسمیه میرداماد- که در مسئله نام بردن امام زمان، طرف حرمت و نهی را تقویت کرده است- در رد کتابی است که میرزا رفیع الدین محمدصدر حسینی، معاصر میرداماد در جواز آن نگاشته است.
۲. از سید نعمت الله جزائری نقل شده است: خواندن حدیث «سلسله الذهب» برای شفای بیمار و روای حجت، مجرب است.
۳. از ابوالقاسم قشیری (عارف مشهور) حکایت شده است: اگر حدیث سلسله الذهب را با شربت حسینی که در زعفران حل شده باشد، بنویسند و با خود داشته باشند، برای مصون ماندن از آفات و احوال و اختلال احوال مجرب است.
۴. سیدمرتضی کشمیری (ره) بعد از نماز در حرم علوی قدری می نشست. از او سبب این نشستن را پرسیدند. فرمود: امیدوارم با این نشستن، حاجتی از برادر مؤمن، و لولو به یک استخاره با تسبیح یا بیان مسئله ای شرعی، برآورم [قضای حاجت مؤمن، بسیار ثواب دارد].
۵. از حاج ملا محمد اشرفی مازندرانی (حاجی اشرفی) نقل شده است: به آنچه رسیده ام، نرسیدم؛ مگر توسط سعی در قضای حوائج مؤمنان.
۶. سیدعبدالله اصفهانی از سیدمرتضی کشمیری اجازه روایت خواست. به او گفت: سه روز دیگر اجازه خواهم داد. پس از سه روز که برای اجازه خدمت او رسید، فرمود اینکه با سه روز تأخیر خواست شما را انجام دادم، برای این بود که آن روز یکی از اعضای گوسفند که خوردن آن مکروه است را به اشتباه

اسناد (ج ۳)؛ ۲. هفت هزار روز تاریخ ایران انقلاب اسلامی (ج ۱)؛ ۳. کتاب نهضت امام خمینی (دفتر اول) یاد شده است. منابع ذیل شرح حال مرحوم اثنا عشری علاوه بر آن چیزی است که خود ایشان در یک صفحه نوشته اند:

۱. آیینہ دانشوران، تألیف ریحان یزدی، چاپ ۱۳۵۳ ق، قم: ۱۳۵۳.
۲. آثار الحجة، تألیف شریف رازی، چاپ ۱۳۳۲ ش؛ قم: ۱۳۳۲ ش.
۳. آیینہ دانشوران یا قصص العلماء؛ تألیف ریحان یزدی، چاپ ۱۳۷۸ ق؛ قم: ۱۳۷۸ ق.
۴. آیینہ دانشوران با اضافات؛ به کوشش آقای بیدهندی، چاپ ۱۳۷۲ ش؛ قم: ۱۳۷۲ ش.
۵. گنجینه دانشمندان؛ تألیف شریف رازی، ج ۴، تهران: اسلامیه، ۱۳۵۳.
۶. اختران فروزان ری و تهران؛ تألیف شریف رازی، قم، [بی تا].

۷. بزرگان ری، بخش دوم مفاخر ری، از منشورات کنگره حضرت عبدالعظیم؛ محسن صادقی؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۸۲.
 ۸. تاریخ آستانه ری؛ تألیف عبدالله عقیلی؛ ۱۳۸۰ ش.
 ۹. هدیه الرازی؛ علامه طهرانی، چاپ نجف.
 ۱۰. المفسرون حیاتهم ومنهجهم؛ محمدعلی ابازی؛ تهران: وزارت الارشاد الاسلامی والثقافه، ۱۳۸۷.
 ۱۱. اعلام الشیعه؛ تألیف علامه طهرانی، ج ۴، سده چهاردهم.
 ۱۲. مجله تراثنا، ش ۶۱.
 ۱۳. طبقات مفسران شیعه؛ ج ۴، عبدالرحیم عقیلی بخشایشی؛ قم: نوید اسلام، ۱۳۷۲.
 ۱۴. آشنایی با تفاسیر؛ تألیف رضا استادی؛ قم: برگزیده، ۱۳۸۷.
 ۱۵. دائرة المعارف تشیع؛ ج ۱، تهران: بنیاد اسلامی طاهر، ۱۳۶۶.
 ۱۶. فرهنگ رجال و مشاهیر تاریخ معاصر ایران؛ ابوالفضل شکوری؛ ج ۱، قم: عالمه، ۱۳۷۷.
 ۱۷. مقدمه جلد دوم از چاپ دوم تفسیر اثنی عشری؛ حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی؛ تهران: میقات، ۱۳۶۳.
 ۱۸. مجمع الأنوار.
 ۱۹. آشنایی با تفاسیر شیعه.
- غیر از دو کتاب اخیر، نگارنده هفده کتاب دیگر را در اختیار داشته است و این دو کتاب را دیگران به عنوان مدرک خود یاد کرده اند و نگارنده آنها ندیده است.

خورده بودم، نخواستم در حالی به شما اجازه روایت - که امری است بسیار مهم - دهم که از آن عضو چیزی در جوف من باشد.

آقای اثنا عشری و نهضت امام خمینی (ره)

چون ایشان به امر به معروف و نهی از منکر بسیار اهمیت می داد، هرگاه برای اقامه نماز جماعت و یا کار دیگر از منزل خارج می شد، اگر از خانه ای یا مغازه ای صدای موسیقی به گوش می رسید، به در آن خانه یا مغازه می رفت و از آنها می خواست صدای موسیقی را قطع کنند.

گاهی به ایشان گفته می شد: قطع صدای موسیقی فقط تا زمانی است که شما از آنجا بگذرید، می فرمود چند دقیقه هم گناه نشود، خوب است.

برای برجیدن محفل فرقه ضاله بهائی ها آن قدر تلاش کرد تا این محفل تعطیل شد و جلوی تبلیغات گمراه کننده آنها در شهرری گرفته شد.

هنگامی که نهضت روحانیت و امام خمینی رضوان الله تعالی علیه آغاز شد، ایشان هم مانند بسیاری از علمای بلاد از آن حمایت کرد و اعلامیه ای به این شرح صادر فرمود:

به امر توفیق حضرت ولی عصر عجل الله فرجه علمای عظام نواب عام آن سرور می باشند و اوامر و احکام ایشان بر مسلمین واجب و لازم است؛ چنان که می فرماید: «الراد علیهم کالراد علینا والراد علینا کالراد علی الله»؛ بنابراین ارکان دولت اسلامی که باید مجری احکام بوده و دیگران [را] از عدم اطاعت بر حذر دارند، بسیار جای تأسف است که با وجود دریافت تلگراف های متعدد و ابلاغات کثیره حجج اسلامی از نجف و قم و سایر شهرها مبنی بر ملغی کردن تصویب نامه ای که برخلاف نص صریح قرآن ... می باشد، تعلق نموده و توجهی به خواسته های علمای اعلام نمی نمایند، و این امر موجب مفسده های عظیم [می] آگردد؛ لذا دفع و رفع آن بر زمامداران واجب است و ما علی الرسول الا البلاغ. حسین الحسینی اثنا عشری.

این اقدامات ایشان موجب شد در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ ایشان مانند جمعی دیگر از علما و خطبای بزرگ، دستگیر و زندانی شوند. یادآوری این مطلب نیز مناسب است که در مجلس فاتحه ای که در قم به مناسبت شب هفت آن مرحوم در مسجد اعظم قم برپا شد، میان طلاب انقلابی و حامیان حضرت امام خمینی (ره) و برخی مخالفان درگیری به وجود آمد و آن شب هم در تاریخ انقلاب ثبت شد.

از این رو نام ایشان در کتاب هایی مانند: ۱. امام در آینه

